

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Economic

اقتصادی

محمد بشیر هاتف

<http://www.benawa.com/rasanay/eqtisad/3/8.shtml>

## راه های مبارزه با فقر اقتصادی در افغانستان

فقر در قاموس اقتصادی جهان مفهوم آشنائیت است. بشر از بدو پیدایش خویش با این مشکل دست و گریبان بوده، پیوسته کوشیده است بر آن غلبه حاصل نماید. در جهان امروز کشورهای زیادی وجود دارند که فقر گلوی مردم شانرا می فشارد.

بصورت عموم اسباب فقر اقتصادی کشورها را میتوان به سه دسته تقسیم کرد:

اول: کمبود منابع و امکانات اقتصادی به تناسب نفوس. (یا عامل حقیقی فقر)

دوم: عدم موجودیت برنامه ریزی فعالیت های اقتصادی، استفاده نادرست از منابع و عدم توازن در فعالیت های اقتصادی. (یا عامل غیر حقیقی فقر)

البته در کنار علل فوق مشکل برتری جویی و موجودیت مفکوره استعمار در کشورهای نیرومند نیز سبب فقر اقتصادی در کشورهای ضعیف را میسازد اما این امر میتواند منحنیث عامل برهم زننده نظم فعالیت های اقتصادی در عنوان دوم نیز زیر مطالعه گرفته شود.

سوم: وقوع جنبا به ویژه جنهای دوامدار و رو دهی حوادث طبیعی چون زلزله ها، سیلاب ها، خشکسالیها و؟ (یا عامل عارضی، و یا غیر مزمین فقر) در مواقع مختلف ضربات بزرگی را بر پیکر اقتصادی کشور ها وارد می آورد اما این عوامل فقر دوامدار را ببار نیاورده با رویدست گرفتن برنامه های تعمیری و همکاری میان ملت ها میتوان به حل آن دست یافت.

به عبارت دبر میتوان این سه کته گوری را یک پی دبر اینطور رقم زد.

عامل حقیقی فقر، عامل مصنوعی فقر، عامل موقت فقر و یا آفات آسمانی.

مشکل نخست میتواند در اثر اتخاذ تدابیر و رویدست گرفتن پرنسبپ های سالم اقتصادی تا حدود زیادی مرفوع گردد. در حال حاضر کشورهای زیادی وجود دارند که بیشتر از پنجاه فیصد ضروریات خویشرا از خارج وارد می نمایند اما به فقر اقتصادی مواجه نیستند. از جانبی نیروی کار، خود انسان است، در ممالک دارای منابع محدود اقتصادی نیز زیادی نفوس یا تراکم جمعیت مفهوم کثرت نیروی کار را دارد و این نیرو میتواند در تمام جهان به فعالیت اقتصادی بپردازد. کشورهای زیادی وجود دارند که اتباع آنها پس از مدتی کار و جمع آوری سرمایه در دبر کشورها، به وطن برگشته و سرمایه گذاری کرده اند.

اما مشکل عمده و اساسی همانا مشکل دومی است. بیش از پنجاه فیصد کشورهای فقرزده در جهان امروز به اثر نداشتن نظام همه گیر و مؤثر فعالیت های اقتصادی نتوانسته اند با پدیده فقر مبارزه مؤثر داشته باشند.

افغانستان نیز یکی از همین کشورهاست زیرا باناه مختصر به جغرافیای اقتصادی آن درخواهیم یافت که از ناه داشتن منابع طبیعی و امکانات رشد اقتصادی، در قطار کشورهای غنی جهان به حساب می آید.

منابع سرشار طبیعی با داشتن ذخایر کافی طلا، زمرد، لاجورد، یاقوت، بیروچ، مس، آهن، نقره، نفت و گاز، در کنار آن

داشتن زمینهای وسیع زراعتی، منابع کافی آبی و از همه مهمتر موقعیت ناب تجارتي افغانستان منحيث کوتاه ترين راه اتصال اروپا و اسياى ميانه به نيم قاره هند و خليج فارس، همه و همه امکانات سرشار اقتصادى اند که افغانستان از سالها و صدها قبل در اختيار دارد که استفاده معقول از آنها بدون شک پيام آور رشد سريع و انکشاف همه جانبه اقتصادى در کشور بوده ميتواند؛ اما اتخاذ تدابير ناقص و نيمه تمام بيشتر از اين امر جلوگيرى نموده و ملت را با فقر اقتصادى دست و گريبان نموده است.

اگر چند در طول سه دهه گذشته يك عامل عمده و اساسى از ميان رفتن اساسات اقتصادى در افغانستان که باعث غلبه بيشتر فقر گرديده جنبههاى طولانى و ويرانى بيشترين مراکز فعاليت اقتصاديست. زيرا درين مدت فعاليت گاه هاى اقتصادى ايکه با ظرفيت هاى ناکافى فعاليت داشتند نيز هشتاد در صد از ميان رفته اما واقعيت اينست که آهن رشد اقتصادى در افغانستان در سالهاى قبل از جن نيز به تناسب امکانات دست داشته خيلى ها بطنى و غير قابل محاسبه بود. اينک در ظرف دوسالى که از پايان يافتن حاکميت طالبان، بيرون آمدن افغانستان از انزوای مطلق و آغاز پروسه اصلاحات اقتصادى، سياسى و اجتماعى مېزد، فقر بى سابقه گلوى مردم را مى فشارد زيرا برنامه فراگير و همه جانبه براى مبارزه با اين پديده روى دست گرفته نشده است.

اگر ويژگيهاى فقر را در اجتماع انسانى ارزيباى نمايم با اتفاق خواهيم پذيرفت که مشخصه نخست و بزرگ آن عبارت از پائين بودن سطح عايد سرانه افراد است. اما مشکل بزرگ اينست که به بلند رفتن سطح عايد سرانه افراد توجه خاصى در بسا از کشورهاى فقرزده صورت نمى گيرد. همان است که ملت ها در فقر بسر برده و دولت ها هم نميتوانند خود را از صف کشورهاى فقير جدا سازند. افغانستان نيز در جريان دوسال اخير باهمين مشکل روبروست طوریکه ديده ميشود اقدام قابل ملاحظه ايکه پى آمد مثبتى در سطح زندگى مردم داشته باشد به چشم نميخورد. اگر اقدامى هم صورت گرفته، بصورت مجرد و بدون هم آهني تمام ساحات اقتصادى بوده و موثريت چندانى نداشته است به گونه مثال نشر بانکوت هاى جديد و جمع آورى پول هاى کم ارزش که طى سالهاى متمادى از جانب مراجع مختلف طبع و تکثير گرديده بود. اين اقدام تا حدودى جلو تورم بى سابقه پولى\انفلاسيون\ را گرفت اما مشکلاتى را که از سبب انفلاسيون يا تورم پولى بوجود آمده مرفوع ساخته نتوانست. مبارزه با تورم پولى از جهتي اهميت بيشتر دارد که اين پديده ناسالم اقتصادى باعث ورشکست شدن اقتصاد افراد و خانواده ها مېردد( به ويژه انانيکه عايد منظم ماهوار دارند چه مامورين دولتى و غير دولتى و چه هم کارگران و کارکنانى که در بدل مزد يا معاش اجراى وظيفه مى نمايند). مشکلاتى که از ناحيه تورم بى حدو حصر پولى دامنيبر مردم افغانستان بود، اکنون هم به حال خود باقيست. به يك تعبير نميتوان ادعا کرد که پول افغانى به تناسب ديروز ارزش بلندتر دارد زيرا يك افغانى امروز که معادل يکهزار افغانى ديروز است همان ارزش يکهزار افغانى ديروز را در مارکيت دارد حتى کمتر از ارزش يکهزار افغانى ديروز زيرا نرخ ها در مارکيت روز تا روز بلند رفته ميرود. مامورين دولتى نيز در بدل يکهزار افغانى ديروزى يك افغانى امروزي بدست مى آورند بناء نشر پول هاى جديد نه تنها تغيرى در سطح اقتصاد افراد، خانواده ها و کشور پديد نياورده بلکه ارزش افغانى را نيز ارتقا نه بخشيده است بدین ترتيب اين اقدام نتوانسته راه را بسوى مبارزه با فقر اقتصادى در کشور باز نمايد زيرا ازديادى در عايد ملى و عايد سرانه افراد رونما نرديده.

طوریکه گفته آمد مبارزه با پديد فقر بيشتر ايجاب مى نمايد تا سطح عايد سرانه دريك کشور بلند برده شود. نکته ايکه ذکر آنرا در اينجا خيلى ضرورى ميدانم اينست که محاسبه عايد سرانه بايد بصورت مستقيم صورت گيرد زيرا محاسبه غير مستقيم يعنى مجموع عايد ملى تقسيم بر تعداد نفوس در يك جامعه عادلانه نبوده و ما را از آگاهى لازم در مورد برخوردار نمى سازد.

بمنظور بلند بردن عايد سرانه در شرايط موجود بايد به اقدامات ذيل متوصل شد:

#### فعال سازى منابع اقتصادى:

آنچه که در طول سالهاى گذشته به وفرت ديده شده اينست که واحدهاى اقتصادى کاملاً از نظر افتيده و از منابع مالى استفاده مثبت و موثر صورت نمى گيرد. در ظرف دوسال گذشته حتى جامعه بين المللى نيز در مواقع ضرورت به رسانيدن امداد موقتى براى مردم اکتفاء نموده و بس. پولهاى هفتي که صرف رسانيدن کمک ها و مواد اوليه مورد ضرورت مردم گرديد، به سادگى ميتوانست قسمت هاى زيادى از زمينهاى زراعتى کشور را آماده بهره بردارى نموده و فابريکات زيادى را در باره فعال ويا هم جديداً احداث نمايد. همچو اقدامى از يك طرف مشکل بيکارى در جامعه تا حدود زيادى از ميان ميبرد و از سوى دبر توليدات داخلى و همچنان پيداوار زراعتى را داخل مارکيت نموده و کنترل نرخ ها را سهلتر مى سازد.

اتخاذ تدابيرى که در عوض علاج فوري به علاج دايمي پرداخته و گره مشکلات اصلى را باز نمايد بايد در صدر برنامه ها قرار داشته و از تدابير ناقص جذاً جلوگيرى شود در طول سالهاى اخير که خشکسالى هاى ممتد صدمات بزرگى را بر پيکر اقتصاد خانواده ها و اقتصاد کشور وارد آورد، اتخاذ تدابير ناقص(توزيع مواد خوراکی براى خشکسالى زده گان) پس از گذشت يكسال نه تنها ميليونها دالر مصرف را در برداشت بلکه مشکلات مردم را نيز مرفوع نتوانست تا اينکه مردم خود به حفر چاه هاى عميق پرداختند، دو سازمان ملل متحده ميتوانست از ابتدا در بدل مصارف کم با حفر چاه هاى عميق عصرى، منابع آبی را براى زمينهاى خشکسالى زده فراهم مى آورد اما اين کار را در سال سوم خشکسالى انجام داد.

تلاش در جهت خود کفایی و بلند بردن سطح تولیدات داخلی:

طوری‌که قبلاً نیز اشاره شد بلند بردن سطح تولیدات داخلی پانه وسیله ایست که دست دولت ها را در امر کنترل اوضاع اقتصادی در قلمرو شان درازتر می‌سازد؛ زیرا رقابت های ناسالم در بسا از مواقع باعث بلند رفتن نرخ امتعه و اشیایی میشود که از خارج وارد می‌رود. راه های تقویه و انکشاف تولیدات داخلی را میتوان چنین نشاندهی کرد:

اول: تهیه ماشین آلات بمنظور میکانیزه شدن زراعت برای زمینداران بصورت قرضه:

افغانستان کشور زراعتی بوده و زمینهای وسیع خشک و بایر اما قابل زرع را در خود دارد. کمک و تشویق زارعین میتواند کشور را از پناه زراعتی فراتر از مرحله خود کفایی برساند.

دوم: تهیه ماشینهای دارای ظرفیت کار بیشتر تولیدی برای مؤسسات تولیدی بصورت قرضه.

سوم: اعطای قرضه های طویل المدت و قصیر المدت برای زمینداران و مالکان یا شایقین فابریکات و مؤسسات تولیدی.

چهارم: کمک و همکاری در جهت بلند بردن کیفیت تولیدات داخلی.

#### اعطای مزد و معاش عادلانه:

مزد و معاش عادلانه که ضرورت های کارمندان و کارگران را رفع نموده بتواند يك قدم عمده در راه بلند بردن عاید سرانه به حساب می‌آید. این امر نه تنها از اتلاف حقوق کارکنان و فقر در جامعه جلوگیری می‌نماید بلکه قوه و استعداد کار را در آنها افزایش داده حجم تولیدات، زراعت، تجارت و سایر فعالیت‌های اقتصادی را بیشتر می‌سازد. از جانی هم علاقمندی کارکنان به کار، باعث بلند رفتن کیفیت تولیدات می‌رود. در کنار آن در نظر گرفتن خدمات اجتماعی برای کارکنان نیز یکی از عوامل است که به سهم خود در قسمت بلند بردن عاید سرانه و حجم مفاد ملی موثریت خود را دارا میباشد.

اعطای قرضه های بانکی برای مامورین و غیره افراد بمنظور اعمار منازل رهايشی و رفع دهر ضروریات شامل اسباب ارتقای عواید سرانه میباشد.

#### کنترول نرخ ها:

یکی از عوامل عمده و اساسی ایکه در قسمت حفظ نظم اقتصادی در جامعه رول بس بزرگ دارد عبارت از کنترول نرخ هاست. حکومت موقت افغانستان درین زمینه تا حال گام سودمندی برداشته نتوانسته است. این امر در قسمت کاهش ارزش پول و در نهایت برهم زدن وضع اقتصاد خانواده ها و عاید سرانه رول قابل ملاحظه بی دارد. مسئله کنترول نرخ از زمانه های قدیم تا عصر حاضر یکی از مسایل عمده ایست که در روبروی دولت ها قرار دارد و پیوسته تلاش به خرج داده میشود تا با استفاده از شیوه های موثر و طرح پلانیهای سودمند اقتصادی جلو آن گرفته شود. بناء در شرایط موجود باید یکی از اولویت های دولت موضوع کنترول قیم در مارکیت ها میباشد.

جلوگیری از عوامل برهم زننده ثبات نرخ ها مانند احتکار، قاچاق، زخیره و انتقال غیر ضروری مواد مورد ضرورت باید در زمره اقدامات عملی شامل باشد.

بازنهادی عرصه های فعالیت اقتصادی با کشورهای جهان:

تدمین روابط اقتصادی با تمام کشورهای جهان بدون در نظر داشت مسایل سیاسی باید یکی از ترجیحات نخستین دولت باشد. روابط اقتصادی باید از روابط سیاسی مجزا محاسبه شود.

در حال حاضر کشورهای زیادی را میتوان نشاندهی کرد که با وصف روابط تیره سیاسی، مناسبات اقتصادی خویش را حفظ و انکشاف میدهند مانند کشورهای هند و پاکستان.

افغانستان نیز میتواند بدون در نظر داشت مسایل سیاسی با هر کشوری که منافع ملی ایجاب نماید مرادوات اقتصادی داشته باشد.

#### تنظیم فعالیت های اقتصادی:

آنچه که از همه نکات دهر مهمتر بوده و رعایت آن میتواند موثریت تدابیر اقتصادی را به مراتب بیشتر سازد عبارت از تنظیم فعالیت های اقتصادیست. طوری‌که قبلاً اشاره گردید هرگاه نشر اسکناس های جدید افغانی با تدابیر دهر اقتصادی از جمله تقویه و فعال سازی منابع اقتصادی، کنترول قیم، و حفظ موازنه (بیلانس) اقتصادی در کشور همراه می‌بود، بدون شك میتواند قدمی خیلی ها عمده و ارزشمند به حساب آید. تنظیم فعالیت های اقتصادی باساز برنامه یا پلان معین میتواند میان تمام ساحات کار اقتصادی هم اهنی و همکاری ایجاد نموده و موثریت آنها را بیشتر سازد.

همچنان داشتن پلان منظم و پیاده نمودن مرحله وار آن در سطح کشور میتواند اولویت ها را در قدم نخست رعایت نموده و از فعالیت های غیر منظم اقتصادی جلوگیری نماید.

افغانستان در شرایط موجود از کمکهای بی شائبه جامعه بین المللی نیز برخوردار بوده و میتواند با ریختن برنامه های موثر اقتصادی با پدیده فقر که از سالها دامنییر ملت ماست، مجادله موثر داشته باشد.